



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۹/۲۳

مصطفی عمرزی

نظارت ملی

در بستری که به بهانه دیموکراسی و آزادی بیان، اجازه دادند هر بدخیالی را توجیه کنند، فرصت های زیادی به وجود می آیند تا بیگانه گان نیز استفاده کنند. پس از حاکمیت طالبان، در مواجهه با انواع مداخلاتی قرار گرفتیم که زیر چتر کار فرهنگی و به اصطلاح اشتراکات، تا اعماق جامعه ما می دوانند. هنوز از مسیر این تار بی خبر مانده ایم که مساله در حد شناخت ریشه، مهم می شود. سفر ها، کنفرانس ها و سرمایه گذاری ها زیر عنوان فرهنگ و پدیده های بشری- فرامرزی کمک کرده اند جامعه ما را که از لحاظ فزیک، نود درصد ویرانه بود، از رهگذر فکری نیز به شدت آسیب بزنند.

در این شکی وجود ندارد که آسیب های فزیک، در هر گونه ای که باشند، قابل احیا اند، اما از هم پاشیدگی فکری در پی توجیه خواسته های جناحی و خودمحور در حالی که از کمترین امکانات و سرمایه گذاری ها در امور فرهنگی و رسانه بی ملی بهره داریم، بسیار تهدید کننده می شوند.

در کنار احزاب وابسته و تنظیمی که برای ابراز وجود از پول های ولایت فقیه، ساختمان روی جامعه نود درصد اهل سنت افغانستان را با جدید ترین ایده های تشیع صفوی راه انداخته اند، بخشی از ستون پنجمی نیز وجود دارند که بر اثر ایجاد نوعی از وحدت فرهنگی ستمیانی که خود شان را در بستر تاجکستان کمونیست، از عقوبت اسلامی و خدایی فارغ می یابند، در حالی که جیره خواران جمهوری اسلامی اند و شبانه روز، دور آتش زردشتی دعا می کنند سرنگونی حکومت اسلامی ایران را شاهد باشند، به عنوان گروه دیگر مصرف کننده و تکثیر و ویروس، قرار می گیرند. آنان از مجرای کار فرهنگی و رسانه بی، مردم ما را دچار آسیب کرده اند. این که بیشترین آسیب ناشی از تفکر اقلیت محور را چه کسانی خواهند خورد، گذشته افغانستان نشان داده است کشوری مانند این جا که در خلط و آمیزش قومی- جغرافیایی، از گونه امتیاز طبیعی وحدت ملی بهره مند است، با انحصارات کهنتری، از تامین نیاز های ملی قاصر می شود.

حکومت نه ماهه حبیب الله کلکانی و حاکمیت چهار ساله برهان الدین ربانی که خیلی سریع در جهت خواسته های اقلیت محور موضع گرفتند، نه فقط فاجعه آفرینند، بل با قرار دادن بخشی از بدنه ها در راس، فشاری وارد می کردند که اگر در شانس هایی همانند حضور خارجی، موقعیت های مقطعی اقلیت ها را به وجود می آوردند، در درازمدت، با تاثیری که بر اذهان دیگران خواهند گذاشت، جریان های بزرگ و نیرومند را انگیزه می دهند همانند گروه های کوچک، از تقسیماتی سخن بزنند (سهم قومی) که هیولایی برای کهرتان خواهند بود.

متأسفانه تفکر دریافت سهم سیاسی که با ناسنجیده ترین وجه، گاه چند وزارت خانه برای اقلیتی می شود و زمانی از حلقوم یک ستمی مایل است تمام افغانستان را قورت دهد، اداره های پس از طالبان را که روی شکننده ترین بستر، بر اساس معامله ساخته شده اند، در جهت گرایش های قومی بکشانند.

دنیای ما، دنیای سیاست زده گی حاد است. در این روزگار، هیچ تفکر و کرداری بدون ملاحظه سیاسی که در عقب خویش، منافع کشور ها را گاه با نام ملی و گاه با نام مذهب و تجارت حمل می کنند، نمی توانند خالی از اغراض باشند. در حالی که از تماشای هرج و مرج ظاهری و کمیتی التذاذ یافته ایم، کسی از خودش نمی پرسد، در کشوری که بیش از پنجاه قوم دارد و اکثریت مردم آن، مسلمانان اهل سنت اند، برای انکشاف تشیع، حوزه هایی می سازند که برای افغانستان، غیر عادی می باشند.

بحث هویت زدایی افغان و افغانستان، شدتی دارد که حتی چند شاعر و سیاستگر تاجکستانی را به شوق آورده است با صدور شهروندی افتخاری، بخشی از ادبیات تاجکستانی، تخیل پیرامون خراسانی شود که خویش، کسانی را آشفته و خواب برده می کند که با فراموشی واقعیت های پیرامون خویش، در کشوری از خواب برنخیزند که واقعیت های زنده اش، افغانان و افغانستان اند.

برای تحفظ فزیک و جغرافیایی، آرایش، آماده گی و رزمندگی نیرو هایی که عموماً در وزارت دفاع، داخله و امنیت ملی، تجهیز و مهیا می شوند، یک طرف قضیه اند، اما مهم ترین موضع، ایجاد ذهنیت و حراست از تفکری است که اگر خدشه یابد، مانند سرباز اجیری که برای کسب درآمد، سلاح گرفته است، در هنگامی که دیگر خبری از پول نباشد، مُهره ای ست که فقط استعمال می کنند.

چند سال قبل، ریاست عمومی امنیت ملی از خبر های خوشحال کننده ای پرده برداشت که پیرامون افرادی بودند که در رسانه های داخلی افغانستان، اتباع پاکستان، ایران و غیره شمرده می شدند. با دستگیری یکی- دو جاسوس ایرانی، به اعتماد مردم افزودند، اما چیزی که بسیار مهم می شود، نظارت بر کارکرد اکثر مزدوران است.

شدت سرمایه گذاری های کشور ایران و حمایت اوفزاده گان فقیر تاجکستان در کار های فرهنگی و رسانه بی خصومت آمیز، نظارت دیگر و ویژه ای را می طلبند. ما با پی آمد مداخلاتی رو به رو هستیم که در بستر افغانستان بسیار مسلمان و یک پارچه، اجازه می دهند شورای به اصطلاح سراسری تاجکان راه بیانازند و از انقلاب اسلامی ایران، در حالی تجلیل کنند که میراث ها و تاریخ مستند و معاصر که با رنگینی کارنامه های تمام اقوام این کشور، سازندگی، آزادی و عمران دارند، تفسیری بدخواهی هایی شوند که در فضای دیموکراسی کنونی، جوازش را برای مزدوران هر کشوری بخشیده اند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی

پیشنهاد می‌کنم نهاد های مسوول امنیتی مثلاً در چوکات ریاست عمومی امنیت ملی، کار های رسانه پی و فرهنگی افراد و نهاد های داخل افغانستان را به شدت زیر نظر داشته باشند. در هنگامی که شدت تخریب زیاد است، وضاحت بخواهند و نهاد های فرهنگی دولت و آدرس های مسوول شخصی با نقد و ارایه پاسخ، هیچ موردی را از نظر دور نکنند.

د پانوی شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالپرلو مخکي په خیر و لولئ